

بازگشت خداوندان عیسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اشعیا باب ۱۳ آیات ۶ و ۹؛ متی باب ۲۴ آیات ۳۰ و ۳۱؛ دانیال باب ۲ آیات ۳۴ و ۳۵؛ دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸؛ اول تسالونیکیان باب ۱ آیات ۷ تا ۱۰.

آیه حفظی: «زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد» (متی باب ۲۴ آیه ۲۷).

تی. اس. الیوت (T. S. Eliot) شاعر، شعری را با این عبارت آغاز نمود: «شروع من، پایان من است.» هر چند مختصر، سخنان او حقیقتی قدرتمند را دربر دارد. در منشاء انتها وجود دارد. ما انعکاس‌هایی از این واقعیت را در نام خود، ادونتیسیت روز هفتم می‌بینیم که دو آموزه اساسی کتاب مقدس را به همراه دارد: «روز هفتم» برای سبت از ده فرمان، یادبودی هفتگی از خلقت شش روزه حیات بر زمین؛ و «ادونتیسیت»، که اشاره به آمدن دوباره عیسی دارد که در آن تمام امیدها و وعده‌های کتاب مقدس از جمله وعده زندگی ابدی تحقق خواهند یافت.

هر چقدر خلقت جهان (آغاز ما) از آمدن دوباره عیسی (پایان ما، دست کم پایان این وجود گناهکار) از نظر زمانی فاصله وجود داشته باشد، این رویدادها به هم مرتبط هستند. خدایی که ما را آفرید (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳)، همان خدایی است که بازخواهد گشت و در یک لحظه، «با یک چشم بهم زدن به محض آنکه صدای شیپور آخر شنیده شود» (اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۵۲)، نجات‌نهایی ما را به ارمغان خواهد آورد. درواقع ما در آغازمان، پایانمان را می‌یابیم.

این هفته ما در مورد انتها و تمام رویدادهای پایانی، دست کم تا جایی که به جهان کنونی ما مربوط می‌شود، صحبت خواهیم کرد: آمدن دوباره خداوندان عیسی.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ ژوئن آماده شوید.

روز خداوند

هر چقدر هم که قصد داشته باشیم فقط در مورد آمدن دوباره عیسی به عنوان آموزه ای از عهد جدید بیاندهشیم، کار درستی نکرده ایم. البته، تنها پس از آمدن نخست عیسی، پس از مرگ، رستاخیز و عروج او، ما مکاشفه ای کامل تر و غنی تر از حقیقت آمدن دوباره بدست آوردیم. اما، درست مانند چیزهای بسیار دیگری در عهد جدید، عهد قدیم نکات و تاریکی هایی از این حقیقت حیاتی را بسیار قبل از اینکه اتفاق بیافتد، آشکار می سازد. با اصل آمدن دوباره عیسی، نویسندگان عهد قدیم حقیقت جدیدی را نمایان نساختند؛ در عوض، آنها حقیقتی را بیان نمودند که قبلاً در کتاب مقدس آشکار شده بود. تنها اکنون، در مورد نجات دهنده مصلوب و عروج کرده، وعده آمدن دوباره می تواند کامل تر درک و قدردانی شود.

آیات زیر را بخوانید. آنها چه چیزی درباره آمدن دوباره عیسی تعلیم می دهند؟ اشعیا باب ۱۳ آیات ۶ و ۹، زکریا باب ۱۴ آیه ۹، دانیال باب ۱۲ آیه ۱.

بدون شک، «روز خداوند»، روز نابودی و غم و اندوه و آشفتگی برای از دست رفتگان خواهد. اما همچنین روز رستگاری تمام قوم خدا، کسانی که نامشان «در کتاب ثبت شده است» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۳، مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۵ و باب ۱۳ آیه ۸ را نیز ببینید)، می باشد. این موضوع، که «روز خداوند» هم زمانی برای داوری علیه افراد شریر و هم زمانی برای حفاظت و پاداش داده شدن افراد وفادار به خدا می باشد، در عهد قدیم یافت می شود. برای مثال، اگر چه برخی با «خشم شدید خداوند» روبرو خواهند شد، اما کسانی که به فراخوانده شدن برای «بدنبال عدالت و فروتنی» بودن توجه کنند، «در روز خشم خداوند مخفی خواهند بود» (صفنیا باب ۲ آیات ۱ تا ۳).

متی باب ۲۴ آیات ۳۰ و ۳۱ را بخوانید. این آیات به چه روش هایی این دوگانگی بزرگ میان از دست رفتگان و نجات یافتگان در زمان آمدن دوباره عیسی را نشان می دهند؟

همانطور که رویدادهای نهایی آشکار می شوند، طرفی که ما در آن خواهیم بود، مشخص تر خواهد شد. ما چه انتخاب های می توانیم و باید اکنون بکنیم که مطمئن باشیم در طرف درست قرار داریم؟

دانیال و آمدن دوباره عیسی

اگر چه بسیاری از یهودیان در زمان عیسی انتظار داشتند که مسیح موعود بیاید و رومیان را سرنگون کند و اسرائیل را به عنوان قدرتمندترین ملت برقرار سازد، اما ظهور عیسی، چه نخست یا رجعت ثانی، در این باره نبود. در عوض، خدا چیزی بسیار بزرگ تر از تنها تغییر جهان قبلی گناهکار و سقوط کرده برای قوم وفادارش در نظر داشت. شاید آیه دیگری در عهد قدیم به اندازه باب ۲ دانیال، این حقیقت که دنیای جدید از جهان قبلی بیرون نمی آید بلکه در عوض خلقتی کاملاً جدید و متفاوت می باشد را چنین بوضوح نمایان نسازد.

باب ۲ دانیال ظهور و سقوط ۴ امپراطوری بزرگ جهان را نشان می دهد — بابل، مادها و پارس ها، یونان و در نهایت روم که بعدها به ملت های امروزی اروپا تقسیم می شود. با این وجود، تمثالی که نبوکدنصر در خوابش دید (نمادی از توالی این چهار قدرت بزرگ جهان) به شیوه ای دیدنی پایان می یابد که گسستن بزرگ میان این جهان و جهانی که پس از بازگشت خداوندمان عیسی مسیح خواهد آمد را نشان می دهد.

دانیال باب ۲ آیات ۳۴، ۳۵، ۴۴ و ۴۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره سرنوشت این جهان و ماهیت جهان جدید تعلیم می دهند؟

این آیات ابهام کمی در مورد آنچه در زمان بازگشت عیسی رخ می دهد، باقی می گذارند. در لوقا باب ۲۰ آیات ۱۷ و ۱۸، عیسی خود را با این سنگ که قدرتی که از این جهان باقی مانده بود را نابود نمود، توصیف می کند. دانیال باب ۲ آیه ۳۵ به زبان آرامی می گوید که پس از طلا، نقره، خاک رس، آهن و برنز نابود شدند، «آنها مانند کاری از خرمن تابستانی بر روی زمین تبدیل شدند؛ و باد آنها را دور برد که جایی برای آنها پیدا نشد». یعنی، پس از بازگشت عیسی چیزی از این جهان باقی نمی ماند.

در همین حال، سنگی که تمام اثرات این جهان را نابود کرد، «به کوه بزرگی تبدیل شد و کل زمین را فرا گرفت». و این پادشاهی که در نتیجه آمدن دوم ظهور می کند، همان است که «هرگز نابود نمی شود» و «تا به ابد باقی خواهد ماند» (دانیال باب ۲ آیه ۴۴). تنها یکی از دو پایان در انتظار انسان هاست که بر روی این سیاره زندگی کردند. یا ما برای ابدیت با عیسی خواهیم بود و یا با پوشال این جهان قدیمی به هیچ ناپدید خواهیم شد. به یکی از این دو روش، ابدیت در انتظار همه ماست.

چشم‌اندازهای بلند مدت

تیطوس باب ۲ آیه ۱۳ را بخوانید. ما چه امید بزرگی داریم و چرا؟

یک استاد با توصیف باورهایش درباره منشاء جهان ما، توضیح داد که ۱۳ میلیارد سال پیش، «توده انبوه کوچکی با چگالی بی نهایت از هیچ بوجود آمد و آن توده منفجر شد و از آن انفجار، جهان ما بوجود آمد.» اینکه چگونه این «جرم کوچک با چگالی بی نهایت» از هیچ بوجود آمد را این استاد بیان نکرد. تنها با باور فرض نمود که این اتفاق افتاد. اکنون همانطور که در مقدمه درس این هفته اشاره کردیم، ما در منشاء خود، پایاغان را می‌یابیم. بر طبق گفته این استاد، به این دلیل است که پایان ما دست کم در دراز مدت چندان امیدوارانه نمی‌باشد. جهان ایجاد شده از «جرم کوچک با چگالی بی نهایت» با تمام چیزهای درونش که شامل بشریت نیز می‌شود، محکوم به انقراض احتمالی بود. در مقابل، مفهوم کتاب مقدس در مورد منشاء ما نه تنها منطقی تر از این دیدگاه می‌باشد بلکه امیدوارانه تر نیز هست. به لطف خدای سرچشمه‌ها، چشم‌اندازهای بلند مدت ما بسیار خوب هستند. ما چیزهای زیادی برای امیدوار بودن به آینده داریم و این امید متکی بر وعده آمدن دوباره عیسی می‌باشد.

دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸ را بخوانید. پولس در اینجا درباره چه چیزی سخن می‌گوید و امید خود را در چه چیزی قرار می‌دهد؟

اگر چه پولس قرار است بزودی اعدام شود، با اطمینان از نجات و امید به بازگشت مسیح، چیزی که او «ظهور مسیح» (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۸) می‌نامد، زندگی می‌کند. «تاج عدالت» در انتظار اوست، مطمئناً نه عدالت خودش (اول تیموتائوس باب ۱ آیه ۱۵) بلکه عدالت عیسی که پولس می‌داند امیدش و وعده آمدن دوم برپایه آن قرار دارد. صرف نظر از موقعیت کنونی او، که به بهترین شکل می‌توان گفت بسیار ملالت انگیز بود (در زندان منتظر اعدام شدن)، پولس می‌داند که چشم‌اندازهای بلند مدت او بسیار خوب هستند. و این بدین دلیل است که او به تصویر بزرگ تر نگاه می‌کرد و تنها بر موقعیت کنونی اش تمرکز نداشت.

صرف نظر از موقعیت‌های کنونی تان، چگونه می‌توانید امیدی مشابه به پولس داشته باشید؟ چگونه می‌توانیم بیاموزیم به تصویر بزرگ تر و امیدی که به ما ارائه می‌دهد، توجه کنیم؟

در ابرهای آسمان

با وجود اینکه آمدن دوباره مسیح بسیار اصلی و حیاتی می باشد، بر طبق کتاب مقدس همه مسیحیان این رویداد بازگشت عیسی را واقعی نمی دانند. برای مثال، برخی چنین استدلال می کنند که آمدن دوباره عیسی زمانی که خود مسیح به زمین باز می گردد، رخ نمی دهد بلکه هنگامی که روح او در کلیسایش بر روی زمین ظاهر می شود، او آمده است. به عبارت دیگر، آمدن دوباره مسیح هنگامی که اصول اخلاقی مسیحیت در قومش نمایان شود، تحقق یافته است.

با این وجود ما تا چه حد می توانیم بپذیریم که این آموزه نادرست است. اگر درست بود، ما چه امید بلند مدتی می توانستیم واقعاً داشته باشیم.

آیات زیر از عهد جدید درباره آمدن دوباره مسیح را بخوانید. آنها چه چیزی درباره ماهیت بازگشت مسیح نمایان می سازند؟

متی باب ۲۴ آیه ۳۰

اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۶

متی باب ۲۶ آیه ۶۴

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۷

دوم تسالونیکیان باب ۱ آیات ۷ تا ۱۰

«آسمان به نظر می رسد که باز و بسته می شود. شکوه تاج و تخت خدا از طریق آن برق می زند. کوه ها مانند نی در باد می لرزند و سنگ های تکه شده در همه طرف پراکنده شده اند. غرشی از طوفان پیش رو وجود دارد. دریا از خشم موج شده است. فریاد دلخراش طوفانی مانند صدای شیاطین از مأموریت تخریب به گوش می رسد. تمام زمین مانند امواج دریا در حال تکان خوردن است. سطح آن شکسته می شود. به نظر می رسد که پایه های آن در حال از بین رفتن هستند. رشته کوه ها در حال غرق شدن می باشند. جزایر مسکونی ناپدید می شوند. بنادر که مانند شهر سدوم شرور شده اند توسط آب های خشمگین بلعیده می شوند. بابل بزرگ در مقابل خدا به یاد آورده شده است که جامی را که از شراب آتشین خشم و غضب او پر بود، بنوشد.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 637

بازگشت عیسی چنان رویداد عظیمی است که به معنای واقعی کلمه جهانی که می شناسیم را به پایان خواهد رساند. وقتی این اتفاق بیافتد، همه از آن با خبر خواهند شد. آنچه عیسی در آمدن نخست خود برای ما انجام داد، در آمدن دوم بطور کامل ظاهر خواهد شد.

زندگی با واقعیت آمدن دوباره مسیح چگونه باید بر نحوه زندگی ما هم اکنون تأثیر بگذارد؟ چگونه باید به ما کمک کند که چیزهای واقعاً مهم در زندگی را به یاد داشته باشیم؟

۲۸ ژوئن

پنجشنبه

زندگان و مردگان

عیسی پیش از زنده کردن دوستش ایلعازر از قبر، این سخنان را بیان نمود: «من قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد، حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت» (یوحنا باب ۱۱ آیه ۲۵). هر چند، او به جای اینکه فقط از مردم بخواهد که که سخنش در مورد ادعایی باورنکردنی را بپذیرند، سپس ایلعازر که آنقدر قبل مرده بود که جسدش می‌توانست شروع به پوسیدن کرده باشد را از مرگ زنده کرد (یوحنا باب ۱۱ آیه ۳۹). کسانی که عیسی را باور دارند، در واقع می‌میرند. با این وجود، همانطور که عیسی فرمود، اگر چه ممکن است مرده باشند، اما بار دیگر زندگی خواهند کرد. این مفهوم کلی رستاخیز از مرگ می‌باشد. و این چیزی است که آمدن دوباره عیسی را چنان در مرکزیت امیدهای ما قرار می‌دهد.

بر اساس این آیات، در زمان بازگشت عیسی، چه اتفاقی برای مردگان در مسیح رخ می‌دهد؟ رومیان باب ۶ آیه ۵، اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۶، اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۴۲ تا ۴۴ و ۵۳ تا ۵۵.

امید بزرگ آمدن دوباره این است که رستاخیز از مرگ که عیسی خود تجربه نمود، چیزی خواهد بود که پیروان وفادارش از تمام عصرها نیز تجربه خواهند کرد. آنها در رستاخیز او، امید و اطمینان از رستاخیز خود را دارند.

چه اتفاقی برای کسانی که در زمان بازگشت عیسی زنده هستند، می‌افتد؟ فیلیپیان باب ۳ آیه ۲۱، اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۷.

افراد وفادار زنده در زمان بازگشت عیسی، بدنی جسمانی خواهند داشت که البته به وضعیت کنونی نخواهد بود. این بدن به صورت فرا طبیعی به آن نوع جسم فاسد نشدنی

که برخواستگان از مرگ نیز خواهند داشت، تبدیل خواهد شد. «صالحان زنده در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن تغییر می کنند. آنها در صدای خدا جلال داده شدند؛ اکنون آنها جاودانه شده و همراه با مقدسین از مرگ برخوردار شده در پی ملاقات خداوندشان در فضا خواهند بود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great controversy*, p. 645

فهرستی از تمام چیزهای مربوط به این جهان که برایتان آنچنان مهم هستند که ترجیح می دهید زندگی ابدی خود را برای نگه داشتن آنها قربانی کنید، تهیه نمایید. چه چیزی در این فهرست وجود دارد؟

۲۹ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر: آمدن دوباره عیسی بخش آخر کتاب، ضمیمه یا پایان داستان غم انگیز گناه و رنج بشر در این جهان سقوط کرده نمی باشد. در عوض، رجعت ثانی، اوجی بزرگ و امید عالی از ایمان مسیحی می باشد. بدون آن چه اتفاقی می افتد؟ داستان بشریت همچنان ادامه پیدا می کند، بدبختی پشت بدبختی و فاجعه پشت فاجعه تا زمانی که همه چیز با مرگ خاتمه می یابد. به غیر از امیدی که بازگشت مسیح به ما ارائه می دهد، همانطور که ویلیام شکسپیر نوشت، «زندگی یک داستان طولانی گفته شده توسط فردی نادان و پر از هیاهو و خشم و بی مفهوم می باشد.» و با این وجود، ما این امید را داریم زیرا کلام خدا بارها آن را برای ما تأیید می کند. ما این امید را داریم زیرا عیسی ما را با زندگی خود آزاد نمود (مرقس باب ۱۰ آیه ۴۵) و او در واقع برای دریافت آن چیزی که سپرده باز می گردد. ستارگان آسمان برای ما از آمدن دوباره نمی گویند. پرندگانی که بر روی درختان آواز می خوانند قاصد آن نیستند. این چیزها به خودی خود ممکن است به چیزی خوب و امیدوارانه در مورد واقعیت اشاره داشته باشند. اما آنها به ما نمی آموزند که روزی وقتی که عیسی بازگردد، «شیپور به صدا در می آید و مردگان برای حیات فناپذیر زنده می شوند و ما نیز تغییر خواهیم یافت» (اول قرنیتیان باب ۱۵ آیه ۵۲). آنها به ما تعلیم نمی دهند که روزی ما به بالا نگاه خواهیم کرد و «پسر انسان را خواهیم دید که در دست راست خدای قادر نشسته و بر ابرهای آسمان می آید» (مرقس باب ۱۴ آیه ۶۲). خیر، ما این چیزها را می دانیم زیرا از طریق کلام خدا به ما گفته شده اند و ما به آنچه که کلام وعده می دهد، اطمینان داریم.

سوالاتی برای بحث

۱. به این بیان‌دیشید که اگر آمدن دوباره عیسی واقعاً چیزی جز آنچه برخی معتقدند نبود، چه مفهومی داشت: بیان کامل اصول مسیحی در زندگی پیروان مسیح. این تصویر هر چقدر هم فوق‌العاده باشد، در پایان چرا ما را بدون هیچ امیدی باقی می‌گذارد؟

۲. چرا ایده محبوب کنونی که جهان از هیچ بوجود آمد، چنین احمقانه می‌باشد؟ چرا مردم چنین مفهومی را ترویج می‌دهند و چرا برخی آن را باور دارند؟ چرا باور به وجود خدایی ابدی که همه چیز را خلق نمود، توضیحی بسیار منطقی‌تر و عقلانی‌تر برای جهان می‌باشد؟

۳. چیزهایی که در این زندگی آنقدر برایتان مهم هستند که حاضرید به منظور نگه داشتن آنها اکنون، امید ابدیت را قربانی کنید را در کلاس مطرح نمایید. در مورد آنچه که در فهرست‌ها وجود دارد، چه چیزی می‌توانید از یکدیگر بیاموزید؟ اگر افراد چیزی در فهرست خود ندارند، چگونه می‌توانیم اطمینان یابیم که چیزی در زندگی‌مان، واقعاً ما را از نجات باز نمی‌دارد، چیزی که برای بسیاری از مردم وجود دارد؟



به دنبال ۳ نشانه بودن

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز پس از گوش دادن به یک مبلغ کارآموده آمریکایی در مجمع جوانان در سرزمین مادری او، ترینیداد و توباگو سخن گفت، مجاب شد که برای سفر تبلیغی دو هفته‌ای به جنوب آمریکا ثبت نام کند.

اما این خواسته او را سراسیمه کرد. او به تازگی پس از هفت سال خوشگذرانی به کلیسای ادونتیست روز هفتم بازگشته بود و احساس نمی‌کرد واجد شرایط خدمت کردن به عنوان یک مبلغ باشد.

پیترز که در آن زمان ۲۵ ساله بود، گفت، «به نظرم من از جنس مبلغ نبودم. پس تصمیم گرفتم دعا کنم.»

او از خدا نشانه‌ای درخواست کرد: اینکه افراد تصادفی حاضر در مجمع جوانان به او بگویند که یک مبلغ بشود. هیچ کس او را نمی‌شناخت، بنابراین فکر می‌کرد کسی به او نزدیک نشود.

او گفت، «اما همان روز، چند نفر نزد من آمده و به من گفتند، آیا تا به حال به اینک یک مبلغ باشی، فکر کرده‌ای؟»

پیترز چنین استدلال کرد که مردم پس از سخنانی مبلغ آمریکایی به خدمت تبلیغ مسیح فکر می‌کردند. پس نشانه دومی از خدا خواست: اینکه پدرش به او بگوید که یک مبلغ بشود. پیترز گفت، «پدرم آدم اهل کلیسا رفتن نیست و من تنها دختر او هستم. از این رو، احتمالش بسیار کم یا صفر بود. فکر کردم خدا را گیر انداختم.»

روز بعد، پدرش به او زنگ زد و گفت، «شاید باید به جایی که خدا هدایت می‌کند، بروی.» او گفت که از تغییرات اخیر زندگی وی راضی بود.

پیترز آن شب با خشم دعا نمود. او نمی‌خواست شغلش را برای سفر بشارتی به گویان به خطر بی‌اندازد. او خواهان نشانه سوم شد: اینکه خدا ۴۵۰ دلار هزینه لازم برای سفر را فراهم کند.

روز بعد، آخرین روز مجمع، غریبه‌ای یک پاکت سفید به پیترز داد و رفت.

او گفت، «وقتی داخل پاکت را نگاه کردم، چکی به مبلغ ۴۵۰ دلار در آن قرار داشت، میزان دقیقی که من برای سفر نیاز داشتم.»

پیترز در نهایت ۱ سال و نیم در گویان ماند و در یک مدرسه بشارتی تدریس نمود. از آن زمان، پیترز بی وقفه به سفرهای کوتاه و طولانی مدت بشارتی رفته است و تنها برای جمع‌آوری پول سفر بعدی توقف کرده است. در سال ۲۰۱۴، رئیس کلیسای ادونتیست، تد نیلسون به او برای فعالیتش در راستای برنامه بشارتی یک ساله، هدیه‌ای به وی اهدا نمود.

پیترز که اکنون ۳۲ سال دارد گفت که هیچوقت برای به اشتراک گذاشتن عیسی خیلی دیر — یا خیلی زود نیست.

او گفت، «پیش از اولین سفر مأموریتی‌ام، تازه به کلیسا بازگشته بودم، بنابراین به اندازه کافی احساس مسیحی بودن نداشتم که به چنین سفری بروم. اکنون همیشه در حال سفر هستم. خدا تمام نیازهای مرا برآورده می‌کند.»

درباره استارلن پیترز (در تصویر در کنار رئیس کلیسای ادونتیست، تد ان. سی. ویلسون) در مطلب هفته گذشته بیشتر بخوانید.